

برخی از ویژگی‌های شگفت اسپرانتو

حسین علیزاده

می‌کنند. در مرداد سال ۸۳ شمسی نیز کنگره جهانی سالانه اسپرانتودانان به مدت ۷ روز در پکن برگزار شد و یکی از وقایع شنیدنی آن این بود که شعر یک پزشک متخصص ایرانی در مسابقات هنری آن برگزیده و برنده جایزه شد.

۵- پس از چینی، زبان‌های عربی و هندی زبان مادری بیشترین انسان‌ها در جهان است. اما انگلیسی که در حال حاضر مقام چهارم را در جهان دارد - و به احتمال قوی به زودی جای خود را به زبان اسپانیایی خواهد داد و به مقام پنجم تنزل پیدا خواهد کرد - با داشتن متکلمینی کمتر از ۳۵۰ میلیون نفر، با پشتوانه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی برخی از دولت‌های قدرتمند و سلطه طلب هم چون آمریکا و انگلیس، تبدیل به اصلی‌ترین رقیب اسپرانتو شده است. تا چند سال پیش زبان روسی نیز در پی این‌گونه قدرت طلبی‌ها بود ولی اینک پس از فروپاشی ابرقدرت شوروی رو به ضعف و کاستی رفته است و شبیه این رویداد در مورد زبان انگلیسی نیز آغاز شده است. بدین معنی که عقب نشینی انگلیسی به‌ویژه در اتحادیه اروپا و برخی دیگر از کشورها (هم چون چین و هند) محسوس است. بدیهی است که اگر قدرت جهانی آمریکا نیز افول یابد، زبان انگلیسی نیز دیگر یکه تاز نخواهد بود. همان طور که در گذشته نیز برای زبان‌هایی مانند لاتین و فرانسوی همین اتفاق افتاده است.

۶- شغل دکتر زامنهوف، ابداع کننده اسپرانتو، چشم پزشکی بود اما اختراع ماندگار او در عالم غیر پزشکی صورت گرفت، زیرا که زبان دان و زبان شناس هم بود. چنانچه به عکس آن برخی از غیر پزشکان نیز دارای نوآوری در عالم پزشکی هستند. به عنوان نمونه کشف طب سوزنی را به شس نونگ امپراطور چین نسبت می‌دهند و لئوناردو داوینچی نقاش معروف ایتالیایی اولین آزمایش‌ها و طراحی‌های دقیق علم تشریح را انجام داد.

۷- زامنهوف همچنین مانند برخی دیگر از نامداران بشر دوست یا هنرمند، شایسته دریافت پاداشی از قبیل جایزه صلح نوبل بود. داستایوسکی، تولستوی، گاندی، نهر، چخوف، برتولت برشت، ماکسیم گورکی، جبران خلیل جبران و مارسل پروست هم از نامورانی بودند که شایسته دریافت جایزه نوبل بودند، اما به آن نرسیدند، ولی جالب این‌که نویسنده موفق و مشهور اسکاتلندی به نام ویلیام آلد که اغلب آثار خود را به اسپرانتو نگاشته است، چند سالی است که کاندیدای جایزه ادبی نوبل است و بعید نیست که اگر برخی از بدخواهان بگذارند و گردش روزگار مهلت دهد، به دریافت این نشان نایل شود.

۸- خالی از لطف و طنز نیست که نکته پایانی این بخش را با مطایبه‌ای به پایان برسانیم و مقدمه آن اینست که می‌گویند ارشمیدس دانشمند یونانی که در حمام به کشف معروف خود درباره وزن حجمی اجسام یقین پیدا کرد، آن چنان به هیجان آمد که کاملاً عریان به خیابان دوید و فریاد زد: یافته‌م، یافته‌م! پس زامنهوف حق داشت اگر وقتی اختراع زبان دوم خویش را پس از سال‌ها تلاش به پایان رساند، به خیابان می‌دوید و ارشمیدس‌وار فریاد می‌کشید، هر چند که این پزشک خوددار لهستانی چنین نکرد! ★

زبان اسپرانتو، اختراع ابتکاری و هوشمندانه دکتر زامنهوف، ویژگی‌های مثبت بسیاری دارد و از ابعاد و زوایای گوناگونی قابل بررسی و جالب توجه است. در این نوشتار به اختصار به نمونه‌ای از جالب‌ترین و گفتنی‌ترین‌ها می‌پردازیم.

۱- اسپرانتو تنها زبان مصنوعی جهان نیست بلکه ولپوک، اینترلینگوا و ... هم از این گونه زبان‌های ساختگی و پیشنهادی هستند، اما بی‌گمان اسپرانتو موفق‌ترین آن‌هاست که مورد توجه و تحسین بسیاری از نامداران و فرهیختگان شرق و غرب جهان و در راس آنان بزرگان اندیشمند و انسان دوستی هم چون تولستوی، اینشتین، تاگور، گاندی و رومن رولان قرار گرفت و سازمان ملل و یونسکو رسماً و کتبا آن را موفق ارزیابی کرده و تایید نمودند و آموزش آن را به جهانیان توصیه کردند و به‌عنوان مثال تیتو، یکی از رهبران کشورهای غیر متعهد، سال‌ها از حامیان اسپرانتو بود.

۲- از علل اصلی موفقیت اسپرانتو، آسانی تلفظ، رسم الخط، تعداد اندک قواعد دستوری و سهولت آن‌ها و امکان وسیع لغت‌سازی به کمک پایانه‌ها و آوندها از ریشه‌هایی معدود که اغلب از مشترکات زبان‌های گوناگون جهان (و به‌ویژه زبان‌های لاتین) هستند، می‌باشد که این همه علاوه بر خوش آهنگی آن موجب شد که به‌سرعت مورد استقبال اقبال گوناگون به‌ویژه اهل فرهنگ و دانش قرار گرفت و امروزه با این‌که بیش از صد سال و اندی از پیدایش آن نمی‌گذرد، دارای میلیون‌ها سخنگو در میان ملت‌ها و کشورها و اهل زبان‌های گوناگون در سراسر جهان است که دارای صدها انجمن، نشریه، رادیو و سایت اینترنتی بوده و تاکنون هزاران همایش محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی به طور سالانه برگزار کرده و همچنان برگزار می‌کنند.

۳- امروزه، هر چند اسپرانتو از برخی از زبان‌هایی که دارای پشتوانه ملی و دولت-کشوری هستند و گاه ذخیره ادبی صدها ساله و حتی بعضاً هزاران ساله دارند، بیشتر سخنگو دارد، اما هنوز چنانچه باید شناخته شده و چنان که شایسته و در خور آن و متناسب با نیاز انسان‌هاست، پرتکلم نیست و این مشکل باید با تلاش آموزشی مضاعف دانایان این زبان برطرف گردد. بدیهی است منظور از "چنان که باید و شاید" این است که این زبان بی‌طرف، همگانی و جهانگیر گشته و نه فقط در آرمان، بلکه در عمل نیز به "زبان دوم" تمامی انسان‌ها تبدیل شود. اگر چه یک پدیده جالب هم اینست که عده قابل توجهی از نسل‌های اخیر اسپرانتودان، زبان اول و مادریشان نیز اسپرانتوست، چرا که زبان دوم مشترک پدر و مادرشان اسپرانتو بوده است!

۴- شگفت است که امروزه پرتکلم‌ترین زبان جهان - و هم چنین دشوارترین خط و زبان جهان - چینی است که گویش‌وران آن صدها میلیون از میلیارد هم فراتر رفته است! و باز جالب و در عین حال طبیعی است که زبان اسپرانتو نیز در میان همین چینیان بیشتر مورد استقبال قرار گرفته و رسماً به عنوان زبان دوم برگزیده شده و سال‌هاست که به طور گسترده مورد آموزش و ترویج قرار گرفته و امروزه ده‌ها میلیون چینی با این زبان آشنا هستند و بدان تکلم